

زنان نمونه در قرآن

مهدی رضوانی پور

ایمان و معنویت، اخلاص و صداقت، پاکدامنی و طهارت، و دیگر صفات کمالی.

در این کتاب آسمانی، زنان در پیشگاه الهی همچون مردان برای وصول به مقامات معنوی در شرایط یکسان هستند و از آن نظر که انسان‌اند، مورد خطاب قرآن می‌باشند و هرگز اختلاف در جسم و جنسیت و تفاوت در مسئولیتهای اجتماعی، نمی‌تواند دلیل بر تفاوت در انسانیت آنان باشد. یگانه معیاری که قرآن مجید ملاک فضیلت انسان اعم از زن و مرد معرفی می‌کند، «ایمان و عمل صالح» است که

بشر پیوسته در زندگی خویش در جستجوی یافتن الگوها و نمونه‌های کمال یافته‌ای است که پله‌های ترقی را در جنبه‌های مختلف ظاهری و معنوی طی کرده‌اند تا او نیز با تاسی به شیوه‌های زندگی و نوع عملکرد آنها بتواند به کمال مطلوبش نایل آید. در کتاب انسان‌ساز قرآن کریم، آیاتی به چشم می‌خورد که ویژگیها و اوصاف انسانهای نمونه را به اجتماع بشری معرفی می‌کند و در واقع، به مدح و ستایش صاحبان آن ویژگیها می‌پردازد؛ انسانهایی مزین به اوصاف تعقل و تفکر، صبر و استقامت، حیا و عفت،

به دنبال خود «حیات طیبه» را که موجب تحقق مدینه فاضله و جامعه‌ای عاری از گناه و هواپرستی، و ظلم و طغیان و استکبار است، به ارمغان می‌آورد. و در این معیار، فرقی بین ثروتمند و فقیر، کوچک و بزرگ، باسواد و بی‌سواد، و زن و مرد نمی‌گذارد: «مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۱ «هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که ایمان دارد، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آنها را به بهتر از اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.»

به همین جهت، زنان نمونه قرآنی، نه فقط الگو برای زنان کمال‌جو، بلکه الگو و اسوه برای همه مؤمنان هستند؛ چنان‌که در سوره تحریم، آسیه همسر فرعون و مریم مادر مسیح علیها السلام دو نمونه خوب برای مردم مؤمن به شمار آمده‌اند: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَاتٍ فِرْعَوْنَ... وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ...»^۲ «و خداوند برای مؤمنان به زن فرعون... و مریم دختر

عمران مثال زده است.» به طور کلی، در قرآن کریم از زنانی چون حوا علیها السلام، ساره و هاجر، همسران ابراهیم علیهم السلام، دختران شعیب علیهم السلام، همسر زکریا علیهم السلام، مادر مریم علیها السلام، بلقیس، همسر ایوب علیهم السلام، مادر و خواهر موسی علیهم السلام، آسیه همسر فرعون، حضرت مریم علیها السلام، و فاطمه زهرا علیها السلام به نیکویی یاد شده است که از بعضی به طور صریح و بعضی به طور غیر صریح سخن رفته است. در بخش پیشین این مقاله،^۳ در خصوص فاطمه زهرا علیها السلام، مریم علیها السلام، خدیجه کبری علیها السلام و آسیه علیها السلام بحث و بررسی به عمل آمد؛ و آنچه در این مقاله مورد نظر است، گذری است به اوصاف و اعمال نیک برخی دیگر از زنان مزبور که صراحتاً به عنوان نمونه در قرآن کریم مطرح شده و یا مورد تمجید خداوند قرار گرفته‌اند؛ زنانی که با ایمان و عمل صالح خویش، چون ستارگانی پرفروغ، زینت‌بخش آسمان تاریخ انسان گشته‌اند.

۱. نحل / ۹۷.

۲. تحریم / ۱۱ و ۱۲.

۳. مجله مبلغان، ش ۸۰.

از زنان نمونه قرآنی است که می‌تواند الگوی اطاعت و تسلیم در برابر فرمان الهی باشد.

آن‌گاه که حکومت فرعونى به دنبال خواب فرعون و احساس خطر او از سوی بنی اسرائیل، برنامه گسترده‌ای را برای کشتن نوزادان پسر از بنی اسرائیل به اجرا گذاشته و حتی به قابله‌ها نیز دستور مراقبت از زنان باردار را داده و در نتیجه، هزاران نوزاد را قربانی کرده بود^۱، حضرت موسی علیه السلام پا به عرصه هستی نهاد و با تولد خویش، نیایی از دلشوره و نگرانی را در وجود مادر افکند؛ اما در این هنگام، یک الهام غیبی، آرامش و اطمینان قلبی را به او بازگرداند؛ الهامی که مشتمل بود بر:

۱. نوزادت را شیر ده: ﴿أَنْ أَرْضِعِهِ﴾

و چون بر جان او ترسیدی، وی را در دریا (نیل) بیفکن: ﴿فَإِذَا خِفتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ﴾

۱. اعراف / ۱۶: ﴿[شیطان خطاب به خداوند

گفت:] اکنون که مرا گمراه ساختی...»

۲. همان / ۲۳: «گفتند: پروردگارا! ما به خویشتن

ستم کردیم.»

۳. همان.

۴. ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۶، صص ۱۵ - ۳۰.

۱. حوا علیها السلام جلوه‌ای از ادب در توبه

آنچه در حکایت آدم و حوا علیهم السلام

جلوه‌ای ویژه دارد و می‌تواند برای همه مؤمنان درس آموز باشد، ادب توبه و انابه حوا علیها السلام به همراه همسرش آدم علیه السلام است. آنان بر خلاف ابلیس که با سرپیچی از فرمان الهی بر آدم علیه السلام سجده نکرد و سپس خطایش را با بیان ﴿فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي...﴾^۱ به خداوند نسبت داد، در نهایت تضرع و التماس، خطایشان را در چشیدن از شجره ممنوعه، متوجه خود دانستند و ظلم به نفس برشمردند: ﴿قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا﴾^۲ و نیز نگفتند: پروردگارا! ما را ببخشای! بلکه عرضه داشتند: اگر ما را نیامرزی و رحمت خود را شامل حال ما نکنی، پیوسته از زیانکاران خواهیم بود: ﴿وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَسَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾^۳

۲. مادر موسی علیه السلام جلوه ایمان و

تسلیم

مادر حضرت موسی علیه السلام که به تصریح قرآن کریم، مورد وحی الهی (الهام) قرار گرفته و بر ایمان و آرامش قلبی او به امداد ربوبی تأکید شده، یکی

که با تدبیر هوشمندانه و ژرف‌اندیشی، پیروی از آیین حق را انتخاب می‌کنند و زمینه هدایت و سعادت ملتی را فراهم می‌سازند.

وی ملکه سرزمین سبا (یمن) بود و بر قومی مشرک و خورشید پرست حکمرانی می‌کرد؛ که با تهدید پادشاه بنی اسرائیل، حضرت سلیمان علیه السلام، رو به رو شد و حکومت و مملکت خویش را در خطر دید. از این رو، با اشراف و بزرگان دربار خویش به مشورت نشست و از آنان نظرخواهی نمود.

﴿قَالُوا نَحْنُ أَوْلُوا قُوَّةً وَأَوْلُوا بِأَسْ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ لِلسِّبْكِ فَاَنْظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ﴾: ۴
 «اشراف [گفتند: ما دارای نیروی کافی و قدرت جنگی فراوان هستیم، ولی تصمیم نهایی با توست، بنگر که چه دستوری می‌دهی.»

با این وجود، بلقیس جنگ را به صلاح ندید و بسیار حسابگرانه عمل

فِي السِّمِّ؛ ۲. ترس به دل راه مده و غمگین مباش: ﴿وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي﴾؛ ۳. ما طفل را به تو باز می‌گردانیم: ﴿إِنَّا رَاٰدُوهُ الْسَّيْكِي﴾ و او را از رسولان و پیامبران قرار می‌دهیم: ﴿وَوَجَّعَلُوهُ مِنْ الْمُزْسَلِينَ﴾. ۱

البته این به مشیت الهی بود که مادر بر خلاف غریزه و عاطفه مادری، دل به فرمان خداوند دهد و تسلیم خواست و اراده پروردگار شود که ﴿إِن كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَن رَّبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾؛ ۲ «اگر قلب او را به وسیله ایمان و امید محکم نکرده بودیم، نزدیک بود مطلب را افشا کند.»

و این گونه در پرتو ایمان و اطاعت مادر، حضرت موسی علیه السلام جان سالم به در برد و به تقدیر الهی زمینه رشد و نمو او در کاخ فرعون فراهم آمد؛ در حالی که به فرموده امام باقر علیه السلام، پس از سه روز خداوند نوزاد را به آغوش مادرش باز گرداند^۳ تا به عنوان دایه طفل، او را مراقبت کند و شیر دهد.

۳. ملکه سبا نمونه هوش و درایت

بلقیس، نمونه قرآنی زنانی است

۱. همان / ۷.

۲. همان / ۱۰.

۳. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۳۵.

۴. نمل / ۳۳.

کرد و گفت: «إِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاطِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ»؛^۱ «هدیه گرانمایی برای آنان می فرستم تا ببینم فرستادگان من چه خبر می آورند.»

برخورد زاهدانه حضرت سلیمان علیه السلام با فرستادگان بلقیس و تهدید دوباره به لشکرکشی و جنگ در صورت عدم تسلیم آنها در برابر حق، فطرت سلیم بلقیس را از خواب غفلت بیدار نمود و وی رنج سفر را بر خود هموار ساخت و به دیدار سلیمان علیه السلام شتافت و هر چند در بارگاه آن حضرت، معجزه ظهور تخت سلطنتش را (که پیش از آن در سرزمین سبا بود) به عیان دید، اما نشان داد که نیاز به دیدن چنین معجزاتی ندارد و از روی آگاهی و شناخت، تسلیم آیین حق شده است و لذا بیان نمود: «أَوْتَيْنَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ»؛^۲ «ما پیش از این هم آگاه بودیم و اسلام آورده بودیم.» و همچنین در پیشگاه الهی عرضه داشت:

«رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»؛^۳ «پروردگارا! من به خود ستم کردم و [اینک] به

همراه سلیمان برای خداوندی که پروردگار عالمیان است، اسلام آوردم.» و بدین ترتیب، بلقیس با حسن تدبیر و رفتار هوشمندانه توانست ضمن نجات مملکتش از خطر جنگ و خونریزی، با زندگی تاریک و آمیخته به شرک گذشته خود وداع گوید و حیاتش را مملو از نور ایمان و یقین سازد و در پرتو هدایتگری حضرت سلیمان علیه السلام در طریق حق به سوی سعادت و بهروزی گام بردارد.

۴. دختران شعیب علیه السلام، نماد حیا و

عفت

در جریان هجرت حضرت موسی علیه السلام از مصر به سوی شهر مدین در ایام جوانی، قرآن کریم از دو دختری سخن می گوید که به خاطر سالخوردگی پدر پیرشان مجبور بودند خودشان گوسفندان را از آب چاه مدین سیراب کنند؛ اما تا زمانی که مردم در کنار چاه در حال آب دادن به چارپایانشان بودند، به سبب حیا و

۱. همان / ۳۵.

۲. همان / ۴۲.

۳. همان / ۴۴.

استخیا؛^۲ «یکی از آن دو [دختر] به سراغ او آمد، در حالی که با نهایت حیا گام برمی‌داشت.» و این به فرموده رسول اکرم ﷺ همان دختر بزرگ‌تر، یعنی صفورا بود که بعدها به همسری حضرت موسی ﷺ در آمد.^۳

بنابراین، صفورا و خواهرش از نمونه‌ها و الگوهای قرآنی در زمینه حیا و عفت هستند که بهره‌مندی ایشان از این صفت، نشان دهنده ایمان عمیق آنان می‌باشد؛ چرا که به بیان امام صادق ﷺ کسی که فاقد حیا باشد، از داشتن نعمت ایمان بی‌نصیب است: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ»^۴ ایمان ندارد کسی که حیا ندارد.»

سخن آخر این‌که هر یک از نمونه‌های با فضیلت قرآنی، نمونه‌ای برای همه انسانهای تشنه کمال اعم از زن و مرد می‌باشند و این دو نوع، از لحاظ نیل به مقامات عالیه انسانی

عفتی که در وجودشان قرار داشت، در گوشه‌ای به انتظار می‌ماندند؛ چنان که وقتی موسی ﷺ به نزد آنان رفت و علت دوری گزیدن ایشان را جویا شد، در جواب گفتند: «لَا تَسْقِي حَتَّى يُضْذِرَ الرَّعَاءُ»^۱ «ماگوسفندان خود را سیراب نمی‌کنیم تا چوپانان همگی [حیوانات خود را آب دهند و] خارج شوند.»

آن‌گاه حضرت موسی ﷺ با روحیه جوانمردی با آنکه خسته و گرسنه از سفر طولانی‌اش بود، به پیش رفته و از چاه آب کشیده، گوسفندان آن دو را سیراب نمود و سپس به زیر سایه دیواری پناه برد. آن دو دختر با ایمان و عقیف که در حریم پاک و بهشتی پدری چون شعیب نبی ﷺ پرورش یافته بودند، به خانه برگشته، ماجرا را برای پدر تعریف کردند و به توصیه حضرت شعیب ﷺ یکی از دختران به نزد موسی ﷺ بازگشت تا دعوت پدر را برای دیدار و گرفتن مزد سیراب کردن گوسفندان ابلاغ نماید.

در این صحنه نیز قرآن کریم به صفت حیای آن بانو تأکید می‌ورزد و می‌فرماید: «فَجَاءَتْهُ إِخْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى

۱. قصص / ۲۳.

۲. همان / ۲۵.

۳. ر.ک: بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۲.

۴. وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۶۶.

**یگانه معیاری که قرآن
مجید ملاک فضیلت انسان
اعم از زن و مرد معرفی
می‌کند، «ایمان و عمل
صالح» است که به دنبال
خود «حیات طیبه» را که
موجب تحقق مدینه فاضله
و جامعه‌ای عاری از گناه و
هواپرستی، و ظلم و طغیان**

**و استکبار است، به ارمغان
می‌آورد**

یکسان‌اند. از این رو، اگر در کتاب
آسمانی ما مسلمانان، پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ^۱
و همچنین ابراهیم خلیل عَلَيْهِ السَّلَام به همراه
یارانش^۲ به عنوان اسوه و الگو برای
کسانی مطرح‌اند که امید به رحمت خدا
و روز رستاخیز دارند، از آسیه همسر
فرعون و مریم دختر عمران عَلَيْهَا السَّلَام نیز

صراحتاً به عنوان نمونه برای مردم
مؤمن یاد شده^۳ و زنان نمونه دیگری
نیز مورد ستایش و تمجید قرآن قرار
گرفته‌اند که همگی در دو ویژگی
«ایمان و عمل صالح» با هم مشترک
هستند و می‌توانند الگو و اسوه برای
همگان باشند و این خود نشان از توجه
خاص دین اسلام به مقام و منزلت زن و
نقش ویژه وی در اجتماع بشری و در
طریق فلاح و رستگاری دارد.

۱. احزاب / ۲۱: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ
حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ»؛ «مسلماناً
برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی
بود، برای آنان که امید به رحمت خدا و روز
رستاخیز دارند.»

۲. ممتحنه / ۴ و ۶: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي
إِبْرَاهِيمَ وَ الْدَّيْنِ مَعَهُ... لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن
كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ»؛ «برای شما سرمشق
خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند،
وجود داشت... [آری]، برای شما در زندگی آنها
اسوه حسنه بود برای کسانی که امید به خدا و روز
قیامت دارند.»

۳. تحریم / ۱۱ و ۱۲: «وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا
امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ... وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ...»؛ «و خداوند
برای مؤمنان به همسر فرعون مثل زده است... و
همچنین به مریم دختر عمران...»